

پیرامون واقعیت و هستی



درخت دانش

با درخت دانش، گام به گام پیشرفت خود را ارزیابی کنید.

گام اول: میزان تسلط خود را با رنگ مشخص کنید.
آبی: مسلطم.
سبز: نسبتاً مسلطم.
زرد: مسلط نیستم.
گام‌های بعدی: اگر در گام اول دانش خود را در حد رنگ زرد ارزیابی کردید اما در نوبت‌های بعدی پیشرفت کردید، می‌توانید خانه‌های سبز یا آبی را رنگ کنید. هرگاه به رنگ‌ها نگاه کنید، متوجه می‌شوید در کدام قسمت‌ها نیاز به تمرین بیشتر دارید.

پیرامون واقعیت و هستی

۴۸ پیمانانه

۴۰ پیمانانه ۱۰ سوالی
 ۶ پیمانانه ۱۰ سوالی آزمون جمع‌بندی
 ۲ پیمانانه ۱۰ سوالی ویژه برترها

۴۸۰ سؤال شناسنامه‌دار

۲۵۰ سؤال
 از آزمون‌های کانون

۱۹۸ سؤال طراحی شده
 از کتاب درسی
 این سؤال‌ها برای پوشش مباحث کتاب درسی طراحی شده‌اند.

۳۲ سؤال
 از کنکورهای سراسری

پیمانانه‌های ۱ تا ۴۸

مراجع کتاب درسی
 صفحه‌های ۱ تا ۲۷

تعداد پیمانانه	زرد	سبز	آبی	موضوع
۹ پیمانانه ۹۰ تست	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	هستی و چیستی
۲ پیمانانه ۲۰ تست	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	آزمون جمع‌بندی درس اول
۹ پیمانانه ۹۰ تست	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	جهان ممکنات
۱ پیمانانه ۱۰ تست	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	آزمون جمع‌بندی درس دوم
۱۶ پیمانانه ۱۶۰ تست	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	جهان علی و معلولی
۲ پیمانانه ۲۰ تست	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	آزمون جمع‌بندی درس سوم
۶ پیمانانه ۶۰ تست	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	کدام تصویر از جهان؟
۱ پیمانانه ۱۰ تست	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	آزمون جمع‌بندی درس چهارم
۲ پیمانانه ۲۰ تست	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	آزمون ویژه برترها بخش ۱

مقدمه

در این درس با دو مفهوم «وجود» و «ماهیت» آشنا خواهیم شد که از مفاهیم اساسی فلسفه هستند. در ادامه رابطه بین این دو مفهوم و سیر تاریخی مرتبط با آن را توضیح خواهیم داد.

فلسفه و قلمرو آن

در کتاب فلسفه یازدهم خواندیم که بخش اصلی فلسفه به بررسی وجود می‌پردازد؛ بنابراین مفهوم «وجود» محور و اساس مباحث فلسفی است.

در این بخش مباحث اصلی در مورد وجود از جمله رابطه هستی و چیستی، علت و معلول، واجب و ممکن، جهان ممکنات و ... مورد بحث قرار می‌گیرند.

درک وجود (قدم نخست)

تمام کارهایی که ما در طول عمرمان انجام می‌دهیم از جمله رفع نیازهای اولیه مانند رفع گرسنگی و تشنگی، نشان از این مطلب دارد که از موجود بودن واقعیاتی مانند غذا و آب مطلع هستیم و از این‌رو از آن‌ها در جهت رفع نیازهای خود بهره می‌بریم. (اصل واقعیت مستقل از ذهن)

البته برعکس مورد فوق هم همواره بوده است؛ یعنی گاهی ما فکر کرده‌ایم که یک چیزی حتماً وجود دارد، در حالی که این‌گونه نبوده است؛ مانند گول چراغ جادو.

این رفتار انسان‌ها در جهت شناسایی وجود و واقعیت‌ها دارای پیام‌های زیر است:

① افراد با مفهوم وجود و عدم آشنا هستند.

② وجود یک چیز برای افراد مهم و اثرگذار است.

درک ماهیت (قدم دوم)

مفهوم ماهیت نشانگر چیستی یک شیء است؛ به‌طور مثال آب بودن آب، نمایانگر یک ماهیت است. این مطلب که افراد در رویارویی با چیزهای مختلف می‌پرسند «این چیست؟» نشان می‌دهد که فرد به وجود آن چیز واقف بوده؛ چرا که از اسم اشاره «این» استفاده کرده است؛ اما چیزی که برای او مبهم مانده، ماهیت یا چیستی آن چیز است.

بنابراین تا الان با دو مفهوم آشنا شدیم:

① وجود: که بین همه موجودات جهان امری مشترک است.

② ماهیت: که باعث تفاوت موجودات جهان از یکدیگر می‌شود.

نکته ماهیت هر نوع با نوع دیگر متفاوت است، مثلاً ماهیت گربه با ماهیت اسب تفاوت دارد؛ اما این‌گونه نیست که ماهیت افراد یک نوع هم متفاوت از یکدیگر باشد.

نکته «وجود»، وجه اشتراک موجودات یا همان واقعیات جهان است؛ نه وجه اشتراک ماهیات.

مغایرت وجود و ماهیت (قدم سوم)

در ابتدا باید بدانید که ما دو جهان داریم:

① جهان خارجی و عینی

② جهان ذهنی و اعتباری

وجود و ماهیت در جهان خارجی

ابن‌سینا بیان می‌کند که وجود و ماهیت در جهان خارج یکی هستند و نمی‌توان آن‌ها را از هم تمایز داد یا آن‌ها را دو جزء از یک چیز محسوب نمود. به‌طور مثال اکسیژن و هیدروژن با یکدیگر آب را تشکیل می‌دهند و هر کدام یک جزء آن محسوب می‌شوند یا حتی رنگ کاغذ را که با خود کاغذ ترکیب شده است، می‌توان جدا از آن تصور نمود؛ در حالی که مفهوم وجود، در جهان خارج، با مفهوم ماهیت گره خورده و از آن قابل تفکیک نیست.

◀ وجود و ماهیت در جهان ذهن

تمامی بحث مغایرت وجود و ماهیت مربوط به جهان ذهن است. همان‌طور که در منطق سال دهم خواندید «مفهوم» مربوط به حیطة ذهن می‌باشد. وجود و ماهیت هر کدام مفاهیمی کاملاً متفاوت هستند؛ یعنی در جهان ذهن مفهوم وجود غیر از مفهوم ماهیت است.

نکته

- وجود و ماهیت در جهان ذهن، دو چیز مختلف و در جهان خارج تنها یک چیز محسوب می‌شوند.
- وجود و ماهیت دو جنبه یا دو حیثیت از یک چیز هستند و نه دو جزء از ماهیت.
- وقتی از «واقعیت» صحبت می‌کنیم، منظورمان یک موجود خارجی است که الان وجود دارد.

◀ حمل وجود بر ماهیت (قدم چهارم)

به دو قضیه زیر دقت کنید:

① مثلث شکل سه ضلعی است.

② مثلث موجود است.

قضیه نخست؛ در این قضیه محمول که «شکل سه ضلعی» است، کاملاً نمایانگر مفهوم مثلث است و هیچ فرقی با آن ندارد؛ جز آن‌که از مفهوم مثلث گسترده‌تر است.

طبق عقیده فلاسفه، حمل این‌گونه مفاهیم بر ماهیت، از نوع حمل ذاتی است و نیاز به دلیل و اثبات ندارد؛ چرا که این مفاهیم جزء تعریف ماهیت قرار می‌گیرند و بین آن مفاهیم و ماهیت رابطه ذاتی برقرار است.

قضیه دوم؛ در این قضیه مفهوم «وجود» بر مفهوم «مثلث» حمل شده است. همان‌طور که گفتیم در عالم ذهن مفهوم وجود چیزی جدای از مفهوم ماهیت است و جزء تعریف آن قرار نمی‌گیرد و بین مفهوم وجود و ماهیت رابطه ذاتی برقرار نیست؛ چرا که ماهیات می‌توانند موجود باشند یا موجود نباشند، اما اگر قرار است محمول وجود را بر ماهیتی حمل کنیم به یک دلیل حسی و تجربی یا عقلی محض نیازمندیم.

◀ حمل اولی ذاتی و شایع صناعی

فلاسفه حمل را به اقسامی تقسیم کرده‌اند از جمله «حمل اولی ذاتی» و «حمل شایع صناعی». تفاوت این دو حمل در ارتباط با تطابق موضوع و محمول است، به‌طوری که:

① اگر مفهوم موضوع و محمول یکسان باشد، حمل از نوع اولی ذاتی است. مانند: انسان حیوان ناطق است. (در این مثال مفهوم موضوع (انسان) با مفهوم محمول (حیوان ناطق) کاملاً برابر است.)

② اگر مفهوم محمول غیر از مفهوم موضوع باشد، یعنی مغایر با آن باشد یا عام‌تر از آن باشد، حمل از نوع حمل شایع صناعی است. مانند: انسان موجود است (مفهوم محمول (وجود) چیزی غیر از مفهوم موضوع (انسان) است.)

نکته تفاوت حمل ذاتی و شایع صناعی از جهت مفهوم موضوع و محمول است و نه مصداق آن‌ها.

◀ اگر وجود با ماهیت یکسان بود ...

فرض کنید مفهوم وجود عین مفهوم ماهیت یا جزئی از آن بود به‌طوری که هر موقع ماهیتی را در نظر می‌گرفتیم، وجودش هم طبعاً مورد توجه ما بود؛ در این صورت آثاری به وجود می‌آمد:

① اثبات وجود هیچ چیزی دیگر به دلیل نیاز نداشت.

② صرفاً با تصور هر ماهیتی آن ماهیت موجود می‌شد.

■ سیر تاریخی بحث مغایرت وجود و ماهیت ▶

- این بحث یکی از اساسی‌ترین آراء و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی و پایه برهان «وجوب و امکان» ابن‌سینا است.
- توماس آکوئیناس یکی از فیلسوفان غربی بود که از این نظر ابن‌سینا بهره‌های بسیاری برد و آن را گسترش داد، وی از این بحث در برهان‌های خدشناسی خود بهره برده است. وی فلسفه‌ای به نام «فلسفه تومیسیم» بنا نهاد.

- فلسفه‌ای که او بنا نهاد بیشتر متکی به آرای ابن‌سینا و تا حدودی ابن‌رشد بود؛ بنابراین چون ابن‌سینا و ابن‌رشد از فلاسفه مشایی بودند (یعنی تحت تأثیر آراء ارسطو بودند) باعث شد تا فلاسفه غرب به این واسطه مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شوند.

- از قرن ۱۶ میلادی با رشد تجربه‌گرایی «علت»، دیدگاه‌های مربوط به فلسفه ارسطو جای خود را به فلسفه‌های حس‌گرا و تجربه‌گرا داد «معلول».

نکته «زیادت وجود بر ماهیت» نام دیگر بحث «مغایرت وجود و ماهیت» است.

وجود و ماهیت

وجود: بین همه موجودات مشترک است.
ماهیت: وجه اختصاصی انواع مختلف است.

مغایرت وجود و ماهیت

وجود و ماهیت دو جنبه و حیثیت یک چیزند و نه دو جزء آن.
وجود و ماهیت دو مفهوم کاملاً متفاوت هستند.
وجود و ماهیت در جهان خارج یکی هستند.
وجود و ماهیت در جهان ذهن مغایر هستند.
حمل وجود بر ماهیت، غیرذاتی و نیازمند دلیل است.

سیر تاریخی بحث مغایرت
وجود و ماهیت

به علت توجه ابن سینا، این بحث مقدمه طرح مباحث جدیدی شد.
توماس آکوئیناس از آرای ابن سینا بهره گرفت و این بحث را گسترش داد.
فلاسفه غرب در قرن‌های ۱۳ تا ۱۵ میلادی از طریق آثار فلاسفه مسلمان، مجدداً با
فلسفه ارسطویی آشنا شدند.
تجربه‌گرایی، باعث افول توجه به فلسفه ارسطو در اروپا شد.



پیمانه‌های ۱ و ۲

۲ پیمانه
۲۰ تست

(صفحه‌های ۲ و ۳ کتاب درسی)

۱. کدام گزینه از قدم‌های لازم برای ورود به بحث تغایر وجود و ماهیت نیست؟

- ۱) چیزهایی که در خارج هستند و یا نیستند، موضوع بحث مسائل فلسفی است.
- ۲) ما در اطراف خود واقعیاتی می‌یابیم که تأثیرات واقعی بر زندگی ما دارند.
- ۳) ما انسان‌ها می‌دانیم که موجوداتی پیرامون ما وجود دارند و می‌توانیم به آن‌ها علم پیدا کنیم.
- ۴) گاهی چیزهایی در خارج هستند که نمی‌دانیم چه چیزی هستند.

(صفحه‌های ۳ و ۴ کتاب درسی)

۲. وجه اختصاصی موجودات ... است و هستی و چستی در جهان خارج ... هستند.

- ۱) ماهیت - تفکیک‌ناپذیر
- ۲) هستی - تفکیک‌پذیر
- ۳) ماهیت - تفکیک‌پذیر
- ۴) هستی - تفکیک‌ناپذیر

(صفحه ۳ کتاب درسی)

۳. یک گیاه موجود و یک انسان موجود را تصور کنید، این دو در چه وجهی مشترک و در چه وجهی متمایزند؟

- ۱) در وجود مشترک و در ماهیت متمایز
- ۲) در وجود مشترک و در ماهیت مشترک
- ۳) در وجود متمایز و در ماهیت مشترک
- ۴) در وجود متمایز و در ماهیت متمایز

۴. دانشمندان و پژوهشگران، پس از تحقیقات فراوان دریافته‌اند که می‌توان داروی درمان سرطان را یافت و در مقاله‌ای ویژگی‌های اصلی این دارو را بیان کرده‌اند. این مقاله کدام یک از موارد زیر را لزوماً اثبات می‌کند؟

- ۱) ماهیت دارو در ذهن
- ۲) وجود دارو در خارج
- ۳) ماهیت دارو در ذهن و وجود دارو در خارج
- ۴) ماهیت و وجود دارو در خارج

(صفحه ۳ کتاب درسی)

۵. اگر فرد «الف» به آب درون یک لیوان اشاره کند و بپرسد: «این چیست؟»، و هم‌زمان فرد «ب» بپرسد: «شفاف بودن این مایع از چیست؟»، آنگاه لزوماً ...

- ۱) فرد «الف» از وجود آب آگاه نبوده است، اما فرد «ب» از وجود آب آگاه بوده است.
- ۲) فرد «الف» از وجود آب آگاه بوده است، اما فرد «ب» از وجود آب آگاه نبوده است.
- ۳) فرد «الف» از ماهیت آب آگاه نبوده است، اما فرد «ب» از ماهیت آب آگاه بوده است.
- ۴) فرد «الف» از ماهیت آب آگاه بوده است، اما فرد «ب» از ماهیت آب آگاه نبوده است.

(صفحه ۵ کتاب درسی - کنکور سراسری ۱۴۰۲ نوبت دوم تیرماه)

۶. اگر وجود جزء مفهوم ماهیت بود، آنگاه ...

- ۱) دو مفهوم از یک واقعیت قابل انتزاع نبود
- ۲) وجود و ماهیت عین هم بودند
- ۳) هیچ ماهیتی با ماهیت دیگر تفاوتی نداشت
- ۴) همه ماهیات واجب‌الوجود بودند

(صفحه ۴ کتاب درسی)

۷. کدام گزینه در بیان تفاوت بین مفهوم جهان و مفهوم وجود در جمله «جهان موجود است.» صحیح است؟

- ۱) جهان و وجود دو موجود جداگانه در عالم ذهن و خارج هستند.
- ۲) این دو مفهوم مانند دو جزء مجزا از یک واقعیت هستند.
- ۳) جهان و موجود در خارج با یکدیگر ترکیب و جمع شده‌اند.
- ۴) این دو صرفاً دو مفهوم مختلف و متمایزند، نه دو واقعیت متمایز.



۸. نسبت میان وجود و ماهیت در یک واقعیت شبیه نسبت ...

- (۱) جوهر خودکار به خودکار است.
- (۲) خرس قطبی و سیاه و سفید بودن آن است.
- (۳) مادر بودن و فرزند بودن در یک فرد است.
- (۴) برگ درختان به درخت است.

(صفحه ۴ کتاب درسی)

۹. هستی و چیستی ... متمایز هستند که در واقع ... از یک واقعیت خارجی هستند.

- (۱) دو امر - دو جزء
- (۲) دو امر - دو جنبه
- (۳) دو مفهوم - دو جنبه
- (۴) دو مفهوم - دو جزء

(صفحه ۴ کتاب درسی)

۱۰. کدام مطلب درباره تمایز وجود و ماهیت صحیح است؟

- (۱) وجود و ماهیت در خارج دو امر متمایز نیستند.
- (۲) وجود و ماهیت از جهت فلسفی به یکدیگر متصل اند.
- (۳) وجود و ماهیت به مثابه دو جزء از یک شیء اند.
- (۴) وجود و ماهیت دو امر هستند که در ذهن اتحاد دارند.

(صفحه ۴ کتاب درسی)

۱۱. کدام یک از موارد زیر را نمی توان متصور بود؟

- (۱) علم به چیستی و هستی اشیاء فراوان پیرامون خود
- (۲) آگاهی از چیستی امور مختلف توأم با مجهول بودن چیستی آنها
- (۳) عدم وجود تمامی چیستی های فراوانی که در ذهن داریم.
- (۴) آگاهی از چیستی اموری که از وجود ذهنی و خارجی آنها بی خبریم.

(صفحه های ۵ و ۶ کتاب درسی - آزمون کانون ۲۲ مهر ۱۴۰۱)

۱۲. ترکیب وجود و ماهیت ...

- (۱) در ذهن موجود است.
- (۲) در خارج موجود است.
- (۳) نه در ذهن موجود است نه در خارج.
- (۴) در ذهن موجود است اما در خارج موجود نیست.

(صفحه ۴ کتاب درسی)

۱۳. کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) می توان با مشاهده یک درخت به تمایز وجود و ماهیت در خارج پی برد.
- (۲) می توان با اطلاع از ویژگی های ذاتی درخت، به وجود آن در خارج پی برد.
- (۳) می توان با مشاهده یک درخت به یگانگی وجود و ماهیت در خارج پی برد.
- (۴) می توان با مشاهده یک درخت به یگانگی مفهوم وجود و ماهیت پی برد.

(صفحه ۴ کتاب درسی)

۱۴. از نظر ابن سینا، انسان بودن هر انسان، از چه چیزی متمایز است؟

- (۱) ماهیتش
- (۲) ناطق بودنش
- (۳) موجود بودنش
- (۴) حیوان بودنش

(صفحه ۴ کتاب درسی)

۱۵. نسبت میان وجود و ماهیت مانند چه نسبتی است؟

- (۱) نسبت میان یک شیء و اجزاء تشکیل دهنده آن.
- (۲) نسبت میان وحدت و کلی درباره یک چیز.
- (۳) نسبت میان انسان و سفیدی در هر فرد انسانی.
- (۴) نسبت میان انسان و حیوان ناطق در هر فرد انسانی.

(صفحه ۴ کتاب درسی)

۱۶. از نظر ابن سینا ...

- (۱) چیستی و ماهیت، دو جزء متمایز از یک مفهوم هستند نه مصداقی از آن چیز.
- (۲) ماهیت و چیستی، دو جنبه متمایز از یک چیزند نه دو جزء متفاوت از یک چیز.
- (۳) ماهیت و وجود، دو مصداق متمایز از هر مفهوم هستند که جزء ندارند و تقسیم نمی شوند.
- (۴) چیستی و وجود، دو مفهوم متمایز از یک چیزند اما تقسیم هایی خارجی از آن چیز نیستند.

(صفحه ۴ کتاب درسی)

۱۷. کدام گزینه حمل متفاوتی با سایر گزینه ها دارد؟

- (۱) انسان جسم است.
- (۲) درخت موجود است.
- (۳) چهارضلعی، شکل دارای چهار زاویه است.
- (۴) انسان حیوان ناطق است.

(صفحه ۵ کتاب درسی)

۱۸. در کدام گزینه محمول قضیه با موضوع رابطه ذاتی ندارد؟

- (۱) لوزی شکل چهارضلعی است.
- (۲) مربع شکلی با چهار زاویه است.
- (۳) دایره شکلی بدون زاویه است.
- (۴) مثلث قائم الزاویه است.

(صفحه ۵ کتاب درسی)

۱۹. کدام گزینه درباره جمله زیر نادرست است؟

- «در قضیه «خورشید موجود است» حمل موجود برای خورشید نیازمند دلیل است.»
- (۱) میان خورشید و هستی رابطه ذاتی برقرار نیست.
 - (۲) مفهوم وجود جزء تعریف مفهوم خورشید نیست.
 - (۳) این دلیل منحصر در دلایل عقلی نیست.
 - (۴) وجود همان حقیقت خورشید است.

(صفحه ۵ کتاب درسی)

۲۰. حمل یگانه بر غنی بالذات، از نظر نسبت، مانند کدام حمل است؟

- (۱) شکل بر دوزنقه
- (۲) گیاه بر دارای حیات
- (۳) منحصربه فرد بر مولود کعبه
- (۴) دوزنقه بر دارای چهار ضلع

(صفحه ۵ کتاب درسی - کنکور سراسری ۱۴۰۰)

۲ پیمانه

۲۰ تست

پیمانه های ۳ و ۴

(صفحه ۵ کتاب درسی)

- (۱) شایع صنایع است و نیاز به دلیل ندارد.
- (۲) شایع ذاتی است و نیاز به دلیل ندارد.
- (۳) اولی ذاتی است و نیاز به دلیل ندارد.
- (۴) اولی ذاتی است و نیاز به دلیل ندارد.

۲۱. حمل ذاتیات بر ذات چه نوع حملی است؟

- (۱) شایع صنایع است و نیاز به دلیل دارد.
- (۲) شایع ذاتی است و نیاز به دلیل ندارد.
- (۳) اولی ذاتی است و نیاز به دلیل ندارد.
- (۴) اولی ذاتی است و نیاز به دلیل ندارد.

۲۲. در چه صورتی حمل وجود بر انسان به دلیل نیاز نخواهد داشت؟

- ۱) پذیرش مغایرت وجود و ماهیت
- ۲) پذیرش عدم تمایز وجود و وجود
- ۳) پذیرش عدم تمایز وجود و وجود

(صفحه ۵ کتاب درسی)

۲۳. ۳. حمل در کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

- ۱) انسان موجود است.
- ۲) حیوان ناطق موجود است.
- ۳) اسب موجود است.
- ۴) موجود موجود است.

(صفحه ۵ کتاب درسی)

۲۴. ۴. حمل در گزاره «موجود وجود دارد»، چه حملی است؟

- ۱) حملی اولی ذاتی که به دلیل نیاز دارد.
- ۲) حملی اولی ذاتی که به دلیل نیاز ندارد.
- ۳) حملی شایع صناعی که به دلیل نیاز دارد.
- ۴) حملی شایع صناعی که به دلیل نیاز ندارد.

(صفحه ۵ کتاب درسی)

۲۵. ۵. کدام گزینه در رابطه با «برهان مغایرت وجود و ماهیت» ابن‌سینا صحیح است؟

- ۱) از نظر ابن‌سینا انسان بودن انسان از ماهیتش متمایز است.
- ۲) حمل ماهیت بر ماهیت حملی ضروری و نیازمند دلیل است.
- ۳) دلیل موجود بودن انسان می‌تواند حسی و تجربی یا عقلانی و ضروری باشد.
- ۴) رابطه ذاتی میان مفهوم انسان و مفهوم وجود برقرار نیست.

(صفحه ۵ کتاب درسی - آزمون کانون ۲۲ مهر ۱۴۰۱)

۲۶. ۶. نظریه تمایز وجود و ماهیت ...

- ۱) فقط مورد توجه فلاسفه مسلمان بوده است.
- ۲) گفت‌وگو درباره آن منحصر به قرون اولیه هجری بوده است.
- ۳) بر پایه یکی از برهان‌های ابن‌سینا در اثبات وجود خدا است.
- ۴) مورد نقد شدید توماس آکوئیناس قرار گرفته و او آن را رد کرده است.

(صفحه ۶ کتاب درسی)

۲۷. ۷. حمل «دارای دو قطر مساوی» بر «مربع»، از نظر نسبت، مانند کدام حمل است؟

- ۱) دوزنقه بر شکل
- ۲) متساوی‌الاضلاع بر مثلث
- ۳) مثلث بر دارای اضلاع
- ۴) دارای زاویه بر مستطیل

(صفحه ۵ کتاب درسی - کنکور خارج از کشور ۱۴۰۰)

۲۸. ۸. کدام مطلب درباره توماس آکوئیناس درست نیست؟

- ۱) یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا است.
- ۲) تمایز وجود و ماهیت را از فلسفه ابن‌سینا آموخت.
- ۳) پایه‌گذار جریان فلسفی در اروپاست که هم‌اکنون هم وجود دارد.
- ۴) مغایرت وجود و ماهیت را پایه یکی از برهان‌های نفس‌شناسی قرار داد.

(صفحه ۶ کتاب درسی)

۲۹. ۹. کدام مطلب درباره تاریخچه بحث مغایرت وجود و ماهیت درست است؟

- ۱) توماس آکوئیناس که بی‌واسطه با فلسفه ارسطو آشنا بود، این بحث را در اروپا گسترش داد.
- ۲) ابن‌سینا این بحث را به خوبی تشریح کرد و مبنای بسیاری از برهان‌های انسان‌شناسی خود قرار داد.
- ۳) فلاسفه مسلمان توجه زیادی به این بحث نشان ندادند.
- ۴) فلاسفه غربی از طریق جریان فلسفی توماس آکوئیناس، بار دیگر با فلسفه ارسطویی آشنا شدند.

(صفحه‌های ۶ و ۷ کتاب درسی)

۳۰. ۱۰. از قرن ۱۳ میلادی چه امری سبب آشنایی مجدد فیلسوفان غربی با فلسفه ارسطویی گردید؟

- ۱) تجربه‌گرایی رشد یافت و فلسفه‌های حس‌گرا و تجربه‌گرا گسترده‌تر شدند.
- ۲) ابن‌رشد و توماس آکوئیناس دیدگاه‌های تجربه‌گرایانه را در اروپا گسترش دادند.
- ۳) توماس آکوئیناس فلسفه ابن‌سینا و تا حدودی ابن‌رشد را در اروپا ترویج داد.
- ۴) توماس آکوئیناس فلسفه‌های مبتنی بر دیدگاه‌های ابن‌سینا و تا حدودی ابن‌رشد را پایه‌گذاری کرد.

(صفحه ۷ کتاب درسی)

۳۱. ۱۱. کدام گزینه در مورد فلسفه‌ای که در قرن ۱۳ میلادی در اروپا توسط توماس آکوئیناس ترویج شد، صحیح نیست؟

- ۱) سبب آشنایی مجدد فلاسفه غرب با فلسفه ارسطو شد.
- ۲) متکی به دیدگاه‌های ابن‌سینا و ابن‌رشد بود.
- ۳) عنوان فلسفه او تومیسم بود که هنوز هم در جریان است.
- ۴) نظریات آن مخالف با فلسفه ارسطو بود.

(صفحه‌های ۶ و ۷ کتاب درسی)

۳۲. ۱۲. ذهن انسان جهت تصدیق واقعیات جهان چه نوع قضایی می‌سازد؟ قضایی با ...

- ۱) موضوع و محمول مبتنی بر هستی.
- ۲) موضوع هستی و محمول‌های مبتنی بر چیستی.
- ۳) موضوعات مبتنی بر چیستی و محمول هستی.
- ۴) موضوع و محمول مبتنی بر چیستی.

(صفحه ۴ کتاب درسی - آزمون کانون ۱۸ آبان ۹۸)

۳۳. ۱۳. پیرامون مغایرت وجود و ماهیت طبق نظر ابن‌سینا کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) وجود و ماهیت، دو مفهوم ذهنی هستند.
- ۲) هر شیء در خارج دارای دو حیثیت واقعی است.
- ۳) وجود نه عین ماهیت است و نه جزئی از آن.
- ۴) حمل وجود بر ماهیت‌های مختلف نیازمند دلیل است.

(صفحه ۴ کتاب درسی - آزمون کانون ۲۴ خرداد ۹۸)

۳۴. ۱۴. کدام یک از حمل‌های زیر حمل اولی ذاتی محسوب نمی‌شود؟

- ۱) حمل تعریف مفهومی صحیح بر ذات
- ۲) حمل یک مفهوم ذاتی بر ذات
- ۳) حمل ذاتیات یک شیء بر یکدیگر
- ۴) حمل یک ماهیت و ذات بر خودش

(صفحه ۵ کتاب درسی - آزمون کانون ۳ تیر ۱۴۰۱)

۳۵. ۱۵. کدام عبارت درباره مسئله «مغایرت وجود و ماهیت» درست نیست؟

- ۱) این مسئله وقتی خود را نشان می‌دهد که «واقعیت» موضوع شناخت واقع شود.
- ۲) یکی از اصول حکماست که دوگانگی مفهوم ماهیت و وجود را نشان می‌دهد.
- ۳) نشان می‌دهد که هر واقعیت شامل «دو جزء» خارجی است که در قالب یک قضیه منطقی به هم پیوند می‌خورند.
- ۴) این که مجرد تصور یک ماهیت، برای حمل وجود بر آن کافی نیست، درستی آن را اثبات می‌کند.

(صفحه ۵ کتاب درسی - آزمون کانون ۲۱ خرداد ۹۵)

۳۶. ۶. اگر ادراک ما از وجود، با ادراک ما از ماهیت یکی باشد؛ نتیجه می‌شود ...
 (۱) وجود و ماهیت در عالم عین مغایرت دارند.
 (۲) وجود بر ماهیت در عالم خارج زیادت دارد.
 (۳) اثبات وجود ماهیت به دلیل نیاز ندارد.
 (۴) وجود برای هر ماهیتی که متصور شود، تصدیق ندارد.

۳۷. ۷. این که نمی‌توان گفت «انسان نه حیوان است نه متفکر»؛ اما می‌توان گفت «انسان معدوم است»، با کدام نتیجه‌گیری ارتباط بیشتری دارد؟
 (صفحه ۵ کتاب درسی - آزمون کانون ۱۹ آبان ۹۶)

- (۱) واقعیت انسان مستقل از ادراک آدمی است.
 (۲) وجود جزئی از ماهیت نیست.
 (۳) انسان ذاتی است که از وجود ابا دارد و نه از عدم.
 (۴) قوه تجرید ذهن می‌تواند از یک واقعیت واحد، مفاهیم متعددی به دست آورد.

۳۸. ۸. ذکر کدام مورد در رابطه با بحث مغایرت وجود و ماهیت صحیح است؟
 (۱) هر شی خارجی در جهان عین به دو جزء مستقل وجود و ماهیت تقسیم می‌شود.
 (۲) این که تصور ما از ماهیت عین تصور ما از وجود نیست، یعنی تصور ماهیت عین تصور عدم وجود است.
 (۳) می‌توان ماهیتی را در نظر گرفت که وجود بر آن حمل نشود.
 (۴) مفهوم وجود، همان ذات مفهوم وجود از ذاتیات ماهیت‌های مختلف است.

۳۹. ۹. در چه صورت می‌توان عبارت «ازدهای سه‌سر هست» را تصدیق کرد؟
 (۱) اگر ماهیت مفهومی غیر از مفهوم وجود باشد.
 (۲) هنگامی که وجود و ماهیت مغایرت پیدا کنند و از هم جدا باشند.
 (۳) هنگامی که این واقعیت موضوع ادراک و شناخت قرار بگیرد.
 (۴) اگر وجود را عین ماهیت یا جزء آن بدانیم.

۴۰. ۱۰. براساس اصل مغایرت وجود و ماهیت ...
 (۱) تصور ماهیات دلیلی بر اثبات وجود آن‌ها نیست.
 (۲) وجود را جزئی از هر ماهیت دانسته‌ایم.
 (۳) وجود واقعیات جهان را تصدیق می‌کنیم.
 (۴) به اتحاد هستی و چیستی پی می‌بریم.

۲ پیمانه
۲۰ نست

پیمانه‌های ۵ و ۶



۴۱. ۱. کدام گزینه درباره دلایل مغایرت وجود و ماهیت نادرست است؟
 (۱) حمل وجود در هر قضیه‌ای به دلیل نیازمند می‌باشد.
 (۲) حمل ماهیت حمل اولی ذاتی است، پس بی‌نیاز از دلیل است.
 (۳) نمی‌توان هر ماهیتی را امری موجود در جهان خارج قلمداد کرد.
 (۴) ماهیت عامل کثرت اشیاء است و وجود عامل وحدت و اشتراک آن‌ها.

۴۲. ۲. در موجودات مختلف آنچه تفاوت دارد ... و آنچه یکسان است ...
 (۱) ماهیت - وجود - با هم مغایرت دارند.
 (۲) هستی - ماهیت - یکسان هستند.
 (۳) چیستی - هستی - یکسان هستند.
 (۴) وجود - چیستی - با هم مغایرت دارند.

۴۳. ۳. کدام یک از عبارات زیر را نمی‌توان در اثبات مغایرت وجود و ماهیت به کار برد؟
 (۱) تصور هر ماهیت برای اثبات وجود آن ماهیت، کافی نیست.
 (۲) براساس مغایرت وجود و ماهیت امور خیالی قابل تصورند اما وجود ندارند.
 (۳) اگر مفهوم وجود عین مفهوم ماهیت باشد هیچ چیزی واقعاً وجود نخواهد داشت.
 (۴) اگر مفهوم وجود جزء مفهوم ماهیت باشد، امور خیالی موجودند.

۴۴. ۴. فردی که می‌پرسد «این چیستی؟» به ... آن چیز واقف بوده و مفاهیمی مانند قفوس ...
 (۱) ماهیت - وجود ندارند.
 (۲) وجود - ماهیت دارند.
 (۳) ماهیت - ماهیت ندارند.
 (۴) وجود - وجود دارند.

۴۵. ۵. کدام عبارت درست است؟
 (۱) هر چه که فرض شود ضرورتاً دو حیثیت دارد؛ هستی و چیستی.
 (۲) از میان نسب اربع، نسبت میان ماهیت یک چیز با وجود همان چیز، تساوی است.
 (۳) اشاره کردن به چیزی، بدون این که به نوعی وجود آن را باور داشته باشیم، غیر ممکن است.
 (۴) وقتی چیزی را واقعی می‌پنداریم و سپس می‌فهمیم وجود نداشته، یعنی ماهیتش را نشناخته‌ایم.

۴۶. ۶. وجود و ماهیت در دیدگاه ابن‌سینا ...
 (۱) هیچ‌گونه تفاوتی با یکدیگر ندارند.
 (۲) در جهان عینی یکی نیستند.
 (۳) در جهان ذهنی یکی هستند.
 (۴) به مصادیق هر مفهوم نسبت داده می‌شوند.

۴۷. ۷. نوع حمل قضایا از جهت اولی ذاتی یا شایع صنعتی بودن، در کدام گزینه یکسان است؟
 (۱) مثلث سه‌ضلعی است. - انسان شاعر است.
 (۲) انسان مخلوق است. - انسان موجود است.
 (۳) انسان راه‌رونده است. - شیر حیوان است.
 (۴) انسان ناطق است. - حیوان چهارپا است.

۴۸. ۸. در کدام گزینه حمل از نوع شایع صنعتی است؟
 (۱) انسان جسم است.
 (۲) مثلث سه‌ضلعی است.
 (۳) شادی کیف نفسانی است.
 (۴) مقدار پیوسته و ثابت است.



پاسخ نامہ
تشریح



درس اول: هستی و چیستی

«چیستی» های فراوانی را هم می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ در حالی که می‌دانیم این امور، حداقل تاکنون در خارج موجود نشده‌اند؛ گزاره‌های فوق، گرچه به مسائل روزمره ما مربوط می‌شوند و قضایای فلسفی نیستند، اما یک تبیین فلسفی دارند و می‌بینیم که فارابی و ابن‌سینا این تبیین فلسفی را از همین نوع گزاره‌ها ارائه کرده‌اند (رد گزینه‌های ۱، ۲ و ۳). مفاهیم معدوم که درباره چیستی آن‌ها می‌اندیشیم دست کم در ذهن ما وجود ذهنی دارند. نمی‌شود که چیزی در ذهن ما نباشد ولی چیستی آن را بدانیم.

۱۲. رابطه وجود و ماهیت به هیچ وجه به صورت دوجزء که با یکدیگر ترکیب شده باشند نیست و اصلاً ترکیب وجود و ماهیت معنا ندارد. پس این ترکیب نه در ذهن و نه در خارج وجود ندارد.

۱۳. وجود و ماهیت مفاهیمی هستند که در ذهن متمایزند؛ اما به یک واقعیت خارجی نسبت داده می‌شوند؛ یعنی در جهان خارج یگانه هستند.

۱۴. از نظر ابن‌سینا، ماهیت از وجود متمایز است. بنابراین انسان بودن هر انسان که ماهیت اوست، از موجود بودنش متمایز است.

۱۵. وحدت و کلی دو مفهوم متمایزند که وقتی برای یک چیز به کار می‌روند، دو جزء از آن چیز، و دو موجود جداگانه در خارج نیستند، بلکه دو جنبه از آن چیزند. در حالی که در گزینه «۱» دو جزء از یک چیزند، در گزینه «۳» در خارج دو چیزند، و در گزینه «۴» در ذهن یک چیزند.

۱۶. نکته نخست آنکه ماهیت و چیستی یکی‌اند و تفاوت تنها در تعبیر است. زیرا ماهیت، تعبیری عربی از چیستی است. نکته دوم آنکه چیستی و وجود، دو مفهوم‌اند نه دو مصداق. نکته سوم آنکه چیستی و وجود دو جزء از یک چیز نیستند، بنابراین، تقسیم‌هایی خارجی از آن چیز نخواهند بود.

۱۷. میان مفهوم وجود و درخت به عنوان یک چیستی رابطه ذاتی برقرار نیست؛ زیرا وجود داشتن جزء تعریف درخت قرار نمی‌گیرد. اما در سایر گزینه‌ها محمول برای موضوع ضروری است؛ زیرا دو مفهوم جدایی‌ناپذیرند که در آن‌ها حمل محمول بر موضوع دلیل نمی‌خواهد.

۱۸. در گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳»، محمول جزئی از تعریف موضوع است؛ بنابراین میان موضوع و محمول رابطه ذاتی برقرار است. اما قائم‌الزاویه بودن برای مثلث ذاتی نیست.

۱۹. وجود جزء ذات و حقیقت خورشید نیست؛ به خاطر همین حمل آن بر خورشید نیاز به دلیل دارد.

۲۰. نوع حمل ذکرشده در صورت سؤال و گزینه «۱» نیازمند دلیل نیست و حمل ذاتی است. اما در سایر گزینه‌ها حمل نیازمند دلیل است.

۲۱. حمل ذات بر ذات از نوع اولی ذاتی است و به دلیل نیاز ندارد.

۲۲. اگر مغایرت وجود و ماهیت را نپذیریم، آنگاه حمل وجود بر هر ماهیتی از جمله انسان، نیاز به دلیل نخواهد داشت.

۲۳. در گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳»، میان موضوع و محمول رابطه ذاتی برقرار نیست؛ اما در گزینه «۴» میان موضوع و محمول رابطه ذاتی برقرار است.

۲۴. از آنجا که در حمل وجود بر موجود، موجود همان «وجوددارنده» است، پس حملش از نوع اولی ذاتی است و به دلیل نیاز ندارد.

۲۵. برای اینکه مفهوم «وجود» را بر مفهوم «انسان» حمل کنیم، نیازمند دلیل هستیم تا بتوانیم بگوییم «انسان موجود است». حال ممکن است این دلیل از طریق حس و تجربه یا از طریق عقل محض شناسایی شود. سایر ماهیت‌ها و چیستی‌ها نیز نسبت به مفهوم وجود همین حالت را دارند.

۱. هر یک از ما در اطرافمان چیزهایی را می‌بینیم که بر حسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کنیم. گاهی نیز چیستی‌هایی را که واقعیت می‌انگاریم، غیر واقعی و خیالی می‌بینیم. گاهی به وجود چیزهایی پی می‌بریم که چیستی آن‌ها را نمی‌دانیم و می‌توانیم از چیستی آن‌ها سؤال کنیم و بگوییم «این چیست؟».

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌های «۲» و «۳»: اشاره به قدم نخست دارند. گزینه «۴»: اشاره به قدم دوم دارد.

۲. وجود وجه مشترک موجودات و ماهیت وجه اختصاصی آن‌هاست. هستی و چیستی در جهان خارج تفکیک‌ناپذیراند.

۳. وجود، وجه مشترک موجودات و ماهیت، وجه اختصاصی آن‌هاست.

۴. بیان ویژگی‌های اصلی یک شیء به معنای شناخت ماهیت آن است و از آن جایی که وجود، جزء اوصاف شیء نیست، با علم به ماهیت یک شیء نمی‌توان به وجود آن در خارج پی برد.

۵. اگر فردی بپرسد این چیست، بدین معناست که از وجود این چیز آگاه است اما از ماهیتش آگاه نیست. از سویی، وقتی کسی بپرسد شفاف بودن این مایع از چیست، در واقع می‌داند ماهیت آب مایع بودن آن است و تنها از چرایی شفافیتش می‌پرسد.

۶. اگر وجود جزئی از ماهیت بود، در آن صورت همه چیزهایی که ماهیت داشتند به حمل اولی ذاتی موجود می‌شدند و حمل وجود بر همه ماهیت‌ها مانند حمل «حیوان» بر «انسان» یا «فلز» بر «جیوه» بود. بنابراین می‌توان گفت که اگر وجود از اجزای ماهیت بود، همه چیز واجب‌الوجود می‌شد. دقت شود که گزینه‌های «۲» و «۳» مربوط به «عینیت وجود و ماهیت» هستند نه «جزء بودن وجود».

۷. وقتی می‌گوییم جهان موجود است، تفاوت جهان و موجود صرفاً در ذهن و از جهت مفهوم است و در خارج این دو یکی هستند و دو موجود جداگانه نیستند. این دو مفهوم دو جنبه یک چیزند نه اینکه دو جزء از یک چیز باشند که با هم ترکیب یا جمع شده است.

۸. وجود و ماهیت دو امر متمایز نیستند و در خارج دو جنبه از یک واقعیت‌اند؛ مانند اینکه یک فرد هم فرزند کسی است و هم خودش مادر شخص دیگری است. تفاوت این دو صرفاً در ذهن و از جهت مفهوم است؛ اما نسبت میان وجود و ماهیت مانند رابطه جوهر خودکار و خودکار و رابطه برگ درختان و درخت، رابطه جزء و کل نیست و مانند رابطه یک شیء با رنگ آن نیز نیست.

۹. چیستی و هستی دو امر و دو واقعیت متمایز نیستند؛ بلکه صرفاً دو مفهوم متمایز هستند. بنابراین دو حیث و دو جنبه از واقعیت خارجی هستند.

۱۰. وجود و ماهیت یا هستی و چیستی صرفاً دو جنبه از یک واقعیت هستند و گرنه در خارج دو امر متمایز نیستند. بنابراین اصلاً دو امر نیستند که بتوانند به همدیگر متصل باشند و یا دو جزء از یک شیء باشند.

۱۱. تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: در اطراف ما اشیای فراوانی وجود دارند که هم «چیستی» آن‌ها را می‌شناسیم و هم از «هستی» شان خبر داریم. گزینه «۲»: برخی امور وجود دارند که از «هستی» شان خبر داریم اما «چیستی» آن‌ها هنوز چندان برای ما روشن نیست. گزینه «۳»:

بنابراین مفهوم «انسان» به‌عنوان یکی از چیستی‌ها با مفهوم وجود مغایر است و رابطه ذاتی میان آن‌ها برقرار نیست.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: انسان بودن انسان اشاره به ماهیتش دارد و این از وجودش جداست نه از ماهیتش (براساس اصل مغایرت وجود و ماهیت؛ وجود و ماهیت با یکدیگر متمایز هستند نه ماهیت و ماهیت). **گزینه ۲:** حمل ضروری نیازمند دلیل نیست پس حملی مانند حمل حیوان ناطق بر انسان ضروری و بی‌نیاز از دلیل است. **گزینه ۳:** دلایل حمل وجود بر ماهیت یا حسی و تجربی است یا عقلانی محض ولی این حمل نیازمند دلیل است و نمی‌توان گفت ضروری است.

۲۶. نظریه مغایرت وجود و ماهیت پایه یکی از برهان‌های ابن‌سینا در اثبات وجود خدا به نام وجوب و امکان است.

۲۷. حمل قضیه حاصله در صورت سؤال و گزینه ۴ یک نوع حمل است که حتماً صحیح است و محلی از تشکیک ندارد.

۲۸. توماس آکوئیناس مغایرت وجود و ماهیت را پایه یکی از برهان‌های خداشناسی قرار داد، نه برهان‌های نفس‌شناسی.

۲۹. توماس آکوئیناس با آشنایی با فلسفه ابن‌سینا جریانی در غرب راه انداخت به نام فلسفه توماسی - تومیسم؛ که از طریق گسترش آن، فلاسفه اروپایی فرصتی یافتند که بار دیگر با فلسفه ارسطویی آشنا شوند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: توماس آکوئیناس به واسطه ابن‌سینا با فلسفه ارسطو آشنا بود. **گزینه ۲:** ابن‌سینا این بحث را مبنای برهان‌های خداشناسی خود قرار داد. **گزینه ۳:** این نظر ابن‌سینا در باب تمایز وجود و ماهیت مورد توجه فلاسفه مسلمان نیز قرار گرفت.

۳۰. توماس آکوئیناس در قرن ۱۳ میلادی فلسفه‌ای را ترویج کرد که بیشتر متکی بر دیدگاه‌های ابن‌سینا و تا حدودی ابن‌رشد بود. همین امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شوند.

۳۱. نظریاتی که توماس آکوئیناس ارائه داد، نزدیک به نظر ارسطو بود.

۳۲. ما از ادراک خویش نسبت به واقعیت‌های جهان، قضایایی می‌سازیم که مرکب از موضوعات مختلف (چیستی) و محمولی یگانه (هستی) است.

۳۳. در خارج، هر شیء فقط یک حیثیت واقعی دارد و تفکیک وجود و ماهیت برای شیء، فقط در دنیای ذهن مصداق می‌یابد. پس هر شیء در خارج، یکی است و وجود و ماهیت آن جدای از هم نیستند.

۳۴. در صورتی که محمول با موضوع اتحاد مفهومی و مصداقی داشته باشد و یا اینکه محمول از ذاتیات موضوع باشد، حمل اولی ذاتی خواهد بود. بنابراین حمل تعریف مفهومی صحیح بر ذات (انسان حیوان ناطق است)، حمل یک مفهوم ذاتی بر ذات (انسان حیوان است) و حمل یک ماهیت و ذات بر خودش (انسان انسان است)، حمل اولی ذاتی محسوب می‌شود.

اما حمل مفاهیم ذاتی یک ماهیت بر یکدیگر همیشه حمل اولی ذاتی نیست. مثلاً قضیه «حیوان ناطق است» دارای حمل شایع صناعی است و «ناطق» از ذاتیات «حیوان» محسوب نمی‌شود.

۳۵. هر واقعیت یگانه در جهان، وقتی موضوع ادراک و شناخت قرار می‌گیرد، در ذهن (نه در خارج) به دو بخش تقسیم می‌شود و با اتصال این دو بخش ذهنی در قالب یک قضیه منطقی، به واقعیت آن شیء اذعان می‌کنیم؛ مثلاً واقعیت یک اسب در ذهن ما در ضمن قضیه «اسب هست» (اسب، ماهیت / هست: وجود) مورد تأیید واقع می‌شود.

وجود و ماهیت دو جزء از یک چیز نیستند که با هم ترکیب یا جمع شده باشند، بلکه دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود هستند.

۳۶. این دلیل برای مغایرت وجود و ماهیت در ذهن است و نتیجه آن عدم نیاز اثبات وجود ماهیت به دلیل یا تصدیق وجود برای هر ماهیت متصور است.

۳۷. صورت سؤال به نوعی در حال بیان مغایرت وجود و ماهیت است. حیوان بودن و متفکر بودن ذاتی انسان (ماهیت) است و از آن‌جا که صفت ذاتی را نمی‌توان از ماهیت سلب کرد، این دو نیز قابل سلب از انسان نیستند. از طرفی وجود، قابل سلب از انسان است و همان‌طور که در صورت سؤال ذکر شده می‌توان گفت انسان معدوم است (سلب وجود)، پس وجود، ذاتی انسان (ماهیت) نیست. این‌که وجود ذاتی ماهیت نیست، نشان می‌دهد که وجود جزئی از ماهیت نیست. اگر جزئی از ماهیت بود، ذاتی ماهیت تلقی می‌شد و اثبات وجود هیچ ماهیتی به دلیل نیاز نداشت و تصور هر ماهیتی برای اثبات وجود آن کافی بود که این نقض اصل مغایرت وجود و ماهیت در ذهن است.

۳۸. مفهوم وجود، جزئی از ماهیت نیست، لذا می‌توان ماهیتی را تصور کرد که وجود بر آن حمل نشود. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: شیء در ذهن به دو بخش وجود و ماهیت تقسیم می‌گردد، نه در عین. **گزینه ۲:** تصور ما از ماهیت، نه عین تصور ما از هستی است و نه نیستی. **گزینه ۴:** میان وجود و ماهیت‌های مختلف رابطه ذاتی برقرار نیست.

۳۹. اگر مفهوم وجود عین مفهوم ماهیت یا جزء آن بود، دیگر اثبات وجود هیچ ماهیتی به دلیل نیاز نداشت و تصور هر ماهیتی برای اثبات وجود آن کافی بود.

۴۰. اگر مفهوم وجود عین مفهوم ماهیت یا جزء آن بود، دیگر اثبات وجود هیچ ماهیتی به دلیل نیاز نداشت و تصور هر ماهیتی برای اثبات وجود آن کافی بود؛ در حالی‌که این گونه نیست!

۴۱. حمل وجود بر مفهوم خداوند که واجب‌الوجود بالذات است نیازمند به دلیل نیست. پس گزاره موجود در گزینه اول نادرست است.

۴۲. آن‌چه در موجودات مختلف متفاوت است، همان ماهیت یا چیستی آن‌ها است و وجود همگی آن‌ها یکسان می‌باشد. وجود و ماهیت در ذهن با یکدیگر مغایرت دارند.

۴۳. اگر مفهوم وجود عین مفهوم ماهیت یا جزء آن باشد، امور خیالی باید موجود باشند، زیرا در این صورت تصور هر ماهیتی برای اثبات وجودش کافی است.

۴۴. - فردی که از الفاظ «این» و «آن» استفاده می‌کند نشان می‌دهد که به وجود آن چیز پی برده است.

- مفاهیمی مانند ققنوس هر چند وجود ندارند اما دارای ماهیت هستند.

۴۵. **۳:** هنگامی که به امری اشاره می‌کنیم، بدین معناست که ما به وجود یافتن آن امر پی برده‌ایم و هستی آن را به نوعی تصدیق می‌کنیم.
بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه «۱»:** هر موجودی دو حیثیت هستی و چیستی دارد، نه هر چیزی که بتوان فرض کرد. برخی مفاهیم در خارج وجود ندارند.
- گزینه «۲»:** وجود و ماهیت یک امر در ذهن دو مفهوم متغایر و متباین‌اند و یکی نیستند. **گزینه «۴»:** این عبارت ارتباطی با عدم شناخت ماهیت یک امر ندارد. در آن حالت ما از خود وجود آن امر مطمئن نبوده‌ایم و به اشتباه وجود آن را تصدیق کرده‌ایم.
۴۶. **۴:** در جهان خارج، دو امر جداگانه به نام «وجود» و «ماهیت» نداریم؛ یعنی در خارج از ذهن، واقعیتی است (مصدق) که هر دو مفهوم را به آن نسبت می‌دهیم.
۴۷. **۲:** قضیه انسان موجود است، با قضیه انسان مخلوق است، مشابه است. زیرا هم مخلوق و هم موجود، از ذاتیات انسان نیست و حمل آن بر انسان حمل شایع صناعی است، اما ناطق و حیوان ذاتی انسان‌اند و حمل آن‌ها بر انسان دلیل نمی‌خواهد.
رد سایر گزینه‌ها:
- گزینه «۱»:** اولی ذاتی - شایع صناعی **گزینه «۳»:** شایع صناعی - اولی ذاتی **گزینه «۴»:** اولی ذاتی - شایع صناعی
۴۸. **۴:** اگر محمول عین مفهوم یا جزئی از مفهوم و ذات موضوع باشد، حمل اولی ذاتی و اگر غیر این باشد حمل از نوع شایع صناعی است. پیوسته و ثابت بودن از ذاتیات مقدار یا کم نیستند. زیرا مقدار یا کم می‌تواند ناپیوسته (منفصل) باشد؛ مثل عدد. کم منفصل عدد است و کم متصل خط است.
نکته: اگر مفهومی جزئی از ذات چیزی باشد، آن چیز امکان ندارد آن وصف را دارا نباشد. پس اگر دیدید که آن وصف را می‌شد از آن مفهوم جدا کرد، پس بدانید که جزو ذاتش نیست. این معیار خوبی برای تشخیص حمل اولی ذاتی و شایع صناعی می‌باشد.
۴۹. **۴:** میان کوه نقره به عنوان یک چیستی و وجود رابطه ضروری برقرار نیست؛ بنابراین ممکن است موجود باشد یا موجود نباشد؛ اما اثبات وجود آن به دلیل نیازمند است.
۵۰. **۳:** تشریح گزینه‌های دیگر:
- گزینه «۱»:** در جهان خارج، وجود و ماهیت با یکدیگر پیوند خورده‌اند. **گزینه «۲»:** حمل مفهوم ناطق بر انسان دلیل نمی‌خواهد. **گزینه «۴»:** بین مفهوم انسان و متفکر، رابطه ذاتی است.
۵۱. **۳:** فلسفه‌ای که در قرن‌های ۱۳ تا ۱۵ در اروپا ترویج می‌شد بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن‌سینا و تا حدودی ابن‌رشد بود. همین امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب، از طریق ابن‌سینا و ابن‌رشد مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شوند.
۵۲. **۱:** اگر مفهوم وجود جزئی از مفهوم ماهیت بود نمی‌توانستیم وجود را از ماهیت جدا کنیم (یا نفی کنیم).
۵۳. **۲:** اینکه هستی و چیستی دو جنبه یک چیزند به این معنا نیست که آن‌ها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند.
۵۴. **۴:** وجود و ماهیت دو مفهوم مختلف هستند (رد گزینه‌های ۲ و ۳) که در ذهن مغایرند و از یکدیگر جدا می‌شوند؛ اما در خارج این دو مصداق واحد دارند و برخلاف آب که از دو جزء مختلف (هیدروژن و اکسیژن) تشکیل شده است، وجود و ماهیت دو جزء خارجی از یک موجود نیستند (رد گزینه ۱). ذهن با نظر به یک موجود واحد، دو مفهوم را انتزاع می‌کند که یکی بیانگر چیستی و دیگری بیانگر هستی آن موجود است.

۵۵. **۳:** هرگاه مفهوم موضوع و محمول یکی باشد، حمل از نوع «اولی ذاتی» است.
۵۶. **۲:** اگر مفهوم وجود عین مفهوم ماهیت یا جزء آن بود، دیگر اثبات وجود هیچ ماهیتی به دلیل نیاز نداشت و تصور هر ماهیتی برای اثبات وجود آن کافی بود، در حالی که این‌گونه نیست؛ مانند: سیمرغ، دیو، اژدهای سه سر و ...
۵۷. **۳:** حمل در قضیه اول ذاتی و بی‌نیاز از دلیل است و در قضیه دوم نیازمند دلیل. (رد گزینه ۱) در قضیه اول، دو مفهوم موضوع و محمول یکسان هستند، اما در قضیه دوم، موضوع و محمول دو مفهوم جدایی‌پذیر و کاملاً مغایر هستند. (رد گزینه ۲). در قضیه دوم میان موضوع و محمول رابطه ذاتی برقرار نیست. (رد گزینه ۴)
۵۸. **۳:** ابن‌سینا می‌گوید در دو گزاره «انسان حیوان ناطق است.» و «انسان موجود است.» حمل «وجود» بر «انسان» (ماهیت) با حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» (حمل ماهیت بر خودش) متمایز است.
۵۹. **۳:** اگر وجود و ماهیت در ذهن مغایر نباشند، یا عین هم هستند یا جزء هم.
عین هم شدن همه ماهیت‌ها (گزینه ۱) و همه چیز بودن هر چیزی (گزینه ۲) در فرض عینیت و یکی بودن وجود و ماهیت درست هستند نه در فرض جزئیت بین این دو.
عدم ممکن‌الوجود و ممتنع‌الوجود هم در فرض عینیت صحیح است و هم در فرض جزئیت.
اینکه اگر وجود جزئی از ماهیت است ماهیت هم جزئی از وجود باشد درست نیست.
۶۰. **۳:** در حمل ماهیت بر خودش (حمل اولی ذاتی) رابطه ذاتی برقرار است (مثلاً انسان حیوان ناطق است). اما در حمل وجود بر ماهیت، رابطه، ذاتی نیست. بلکه آن چیز ممکن است باشد یا نباشد. پس اگر وجود و ماهیت یکی بودند تصور هر ماهیت برای موجود شدن کافی بود. این بدین معنی است که وجود یافتن هیچ ماهیتی دیگر به دلیل نیاز نداشت زیرا تصور برای وجود داشتن کافی بود (رد گزینه ۱). در این صورت می‌توانیم بگوییم که اساساً ممکن‌الوجود یک عبارت بی‌معناست، زیرا هر چیزی با تصور و بدون علت موجود خواهد بود و مفاهیم خیالی نیز به صرف داشتن ماهیت باید وجود داشته باشند (تأیید گزینه ۳). پس مفهوم ممکن‌الوجود بی‌معنا می‌شد. (رد گزینه ۲). حمل وجود بر ماهیت در یک قضیه دوجزئی (یعنی قضایی مانند انسان هست، اسب هست و ...) نشانگر تمایز و مغایرت آن‌ها در ذهن است (رد گزینه ۴).
۶۱. **۳:** وجود، وجه مشترک موجودات است و ماهیت، وجه اختصاصی آن‌ها. هر مفهومی ماهیتی دارد اما لزوماً وجود ندارد و ممکن است یک مفهوم خیالی باشد.
۶۲. **۲:** این‌گونه نیست که هر چیزی وجودی داشته باشد. برخی مفاهیم خیالی هستند و وجود ندارند.
دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:
- گزینه «۱»:** ماهیت می‌تواند محمول یک قضیه واقع شود: این درخت است. **گزینه «۳»:** وجود و ماهیت دو حیثیت و جنبه ذهنی متمایزند، نه دو امر وجودی. **گزینه «۴»:** انسان هنگام مواجهه با موجودات گوناگون (نه مفاهیم) وجود و ماهیت را انتزاع می‌کند.